

## بررسی مفهومی پیوند اجتماعات محلی با جنگل‌های

### شمال

سحر جعفر صالحی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی،

پژوهشگر اجتماعی و مدرس دانشگاه مازیار نور

معصومه اشتیاقی، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشگر

اجتماعی

۱۶ خرداد ۱۳۹۴

شماره مسلسل: ۱۱۰۰۱۰۶

شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳

### مقدمه

از تنظیم نظامنامه جنگلبانی طی مصوبه شماره ۹۱۱۵ هیئت دولت در سال ۱۳۰۲ تا شکل‌گیری نهادهای رسمی اداره و حفاظت از جنگل در دهه ۲۰ و تصویب قوانین حفاظتی مختلف از جمله مهم‌ترین آن‌ها قانون ملی شدن جنگل‌ها در سال ۴۱، عمر زیادی می‌گذرد. قانون ملی شدن جنگل‌ها (۱۳۴۱/۱۰/۲۷)، قانون شکار و صید (۱۳۴۶/۳/۱۶)، قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی (۱۳۵۸/۶/۲۵) و قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی کشور (۱۳۷۱/۷/۵) که هدف نهایی کلیه آن‌ها حفظ و حراست از منابع طبیعی و جنگل‌ها و مدیریت زمین‌های ملی است. با این وجود در همین چند دهه بطور فزاینده‌ای با رشد مطالبات خصوصی و عمومی برای تملک و مصادره زمین‌ها، جنگل‌تراشی، برداشت بی‌رویه چوب، شکار و غیره رو به رو هستیم. در پی تحلیل این تناقض، می‌توان عوامل و دلایل بسیاری را فهرست کرد. اما آنچه در این نوشتار محل مذاقه قرار می‌گیرد، بذل توجه به یکی از جنبه‌های مغفول در قوانین و سیاست‌های مربوطه است؛ هدف متن حاضر بررسی مفهومی و سنجش چگونگی دسترسی جوامع محلی و استفاده آن‌ها از منابع ملی در مناطق شمال کشور است. تا از خلال این بحث علاوه بر نشان دادن سطوح وابستگی منابع، به روشن شدن آسیب‌های آن نیز

منجر شود. در نهایت قرار است در این مقاله، توصیفی از جنبه‌های اجتماعی وابستگی جامعه - منابع ارائه می‌شود تا به عنوان شناختی بهتر برای اتخاذ راهی برای حفظ و پایداری نظام‌های انسانی و طبیعی در قوانین و سیاست‌ها لحاظ شود.

### ۱. اجتماع محلی و وابستگی به منابع طبیعی

در ادبیات جامعه‌شناختی، از دو واژه متفاوت جامعه و اجتماع برای بیان وضعیت‌های مختلفی که انسان‌ها در آن‌ها به برقراری رابطه می‌پردازند، استفاده می‌شود. در نظر فردیناند تونیس اجتماع در برابر جامعه قرار دارد. در حالی که جامعه مبتنی بر منافع شکل می‌گیرد، اجتماع از افرادی تشکیل شده که داری یک تبار و یک تقدیرند. جامعه‌شناس دورکیم نیز این دو را بر اساس دو شکل متفاوت تقسیم کار، یعنی تقسیم کار مکانیک و تقسیم کار ارگانیک متمایز می‌سازد. در عین حال تقسیم کار پیچیده یا روابط اجتماعی مبتنی بر منافع در جامعه، به هیچ‌وجه به معنی سادگی روابط در اجتماع نیست. این دو برابر نهاده در حقیقت دو نوع مختلف از شکل‌گیری روابط اجتماعی هستند نه لزوماً پست‌تر و پیشرفته‌تر یا متضاد یکدیگر. علاوه بر این، بر خلاف تصور عموم، اجتماع چیزی جز یک آشیانه محیط‌زیستی است. در تعریف جامعه‌شناختی اجتماع، «علاوه بر همزیستی، دو صفت دیگر نیز لازم است. لازارسفلد و مرتون «نوع‌دوستی» را برای تشکیل اجتماع منافع و سلیقه‌ها ضروری می‌دانند که چیزی بیش از پیوستن اصولی به ارزش‌های مشترک است. صفت دوم که برای تشکیل اجتماع ضروری است آن است که اعضای گروه بپذیرند با بذل بخشی از وقت و مال‌شان در اداره امور اجتماع مشارکت کنند. بدون حداقل مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم اعضا در امور مشترک، اجتماع تحقق نمی‌یابد» (بودن و بوریکو، ۱۳۸۵: ۲۲). به این ترتیب سه بعد مشترک در تعریف اجتماع را می‌توان: (۱) منطقه جغرافیایی (۲) تعامل اجتماعی و (۳) روابط مشترک؛ دانست (Hillery 1955 in Mekbebe et al 2009).

اجتماع با لقب محلی یا داشتن وابستگی اجتماعی به محل و نه فقط اجتماعی از منافع (مثل انجمن‌های مردمی سبز، شهروندان ارشد یا دانشجویان دانشگاه) ساخته می‌شود.

جنگل‌نشینان چیزی بیش از این است. در جنگل‌های شمال ۴۳۰۰ آبادی با ۷۴ هزار خانوار جنگل‌نشین که ۱۰۰۶۲ آن‌ها در آبادی‌های کمتر از ۲۰ خانوار ساکن هستند، وجود دارند. زندگی و حیات این مردمان به مثابه یک اجتماع محلی متکی به منابع طبیعی، در طول هزاران سال، پیوندی ناگسستنی با جنگل‌های شمال یافته‌است.

در نقطه مقابل این وصف از وابستگی، آمارها از فاجعه تخریب این جنگل‌ها حکایت می‌کنند. طبق مطالعه سماک (۱۳۷۹)، سطح جنگل‌های شمال بین سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۴۶، ۴/۷٪ و در فاصله سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۷۳، ۷/۱٪ کاهش داشته است (سماک، ۱۳۷۹). در مطالعه‌ای جدیدتر، رفیعیان و همکارانش به بررسی تغییرات جنگل‌های شمال (بصورت موردی در بابل) در سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۰ پرداختند و کاهش ۸/۲ درصدی کاهش سطح اولیه جنگل را نشان دادند. بصورت کلی، طبق آمار سطح جنگل‌های شمال در عرض چهل سال گذشته، با سرعت تخریب ۳۲۰ متر مربع در ثانیه (مجنونیان ۱۳۷۳)، از ۳/۵ میلیون هکتار به ۱/۹ میلیون هکتار (هدایتی، ۱۳۸۱) معادل ۱/۱۶ درصد از سطح کشور کاهش یافته است. در این تحقیقات، بهره‌برداری غیر مجاز توسط جنگل‌نشینان و روستاییان، حضور دام در جنگل، سرشاخه‌زنی و کت‌زنی به وسیله دام‌داران جهت تامین غذای دام، تغییر کاربری اراضی کم شیب جنگلی به زراعی، بهره‌برداری غیراصولی و اجرای طرح‌های ناموفق نهالستان‌ها و غیره از مهم‌ترین دلایلی هستند که در تسریع روند تخریب جنگل بر شمرده می‌شوند. دلایلی که در واقع همگی مؤید استفاده خصوصی از زمین‌های عمومی هستند. تنها در مورد فعالیت دامداری در جنگل‌های شمال، بر اساس اطلاعات حاصل از طرح جامع مقدماتی جنگل‌های شمال، در مساحت ۱/۸۴۷ میلیون هکتاری جنگل‌های شمال ۳/۳۶۸ میلیون واحد دامی، ۱/۴۲۷ میلیون واحد دامی بصورت کتول، ۳۰ هزار واحد دامداری (شریعت نژاد، بی‌تا) وجود دارد.

از آنجا که فعالیت‌ها و سبک معیشتی اجتماعات محلی از مهم‌ترین دلایل تخریب جنگل‌ها دانسته می‌شود، همواره یک نگاه حذفی و قهرآمیز در سیاست‌گذاری‌های مربوطه وجود

چنانچه مک‌کول<sup>۱</sup>، مفهوم اجتماع را برای مکان تعریف شده خاصی که انسان‌ها در آنجا گرد هم می‌آیند و زندگی می‌کنند، تعریف می‌کند. به همین ترتیب در مطالعات اخیر در حوزه جامعه‌شناسی محیط‌زیست و جامعه‌شناسی منابع طبیعی نیز به مفاهیم اساسی‌تری از ویژگی‌های کاملاً عینی در تعریف وابستگی اجتماعات به مکان می‌پردازند و آن مفاهیم شامل پیوندهای عاطفی و روانی به منابع (جنگل، رودخانه، دریا و غیره)؛ مفاهیمی چون احساس تعلق و مفهوم وابستگی است (Jones, 1996 : 108). تا آنجا که محققان از نوعی دلبستگی به جای وابستگی در اجتماعات محلی نام می‌برند که هم تابع متغیرهای اجتماعی-فرهنگی (یعنی شبکه‌های اجتماعی، نهادها، روابط خویشاوندی و غیره) و هم متکی به عناصر محیط‌زیستی (پوشش گیاهی، شکل زمین) است.

## ۲. استفاده منابع توسط اجتماعات محلی در جنگل‌های شمال

جنگل‌های شمال یکی از منابع ارزشمند تامین درآمد ساکنان محلی و اکوتوریسم در منطقه هستند. تأثیر مستقیم این جنگل‌ها در اقتصاد ملی، تضمین حیات انسانی با حفاظت از منابع خاک و آب؛ ارزش‌های اساسی جنگل‌های شمال محسوب می‌شوند. جنگل‌ها و درختان این پتانسیل را دارند که در سیستم‌های «جنگل زراعی» در تغذیه بشر از طریق افزایش محصولات و تولید میوه‌ها، برگ‌ها و دیگر محصولات موثر باشند و باعث افزایش تنوع تغذیه‌ای شوند. حضور درختان و جنگل‌ها همچنین باعث بهبود تأثیر کارکردهای آب‌خیزداری و کیفیت آب می‌شود و بنابراین وجود آن‌ها در اراضی مرزی در بهبود عملکرد نظام‌های کشاورزی-دامداری ضروری است. علاوه بر این درختان نقشی حیاتی در تأمین علوفه و سایه برای دام‌ها دارند که به طور غیر مستقیم بر امنیت غذایی تأثیر می‌گذارد. بسیار خلاصه می‌توان گفت، زندگی، معیشت و امنیت غذایی بیش از ۴ میلیون انسان در شمال ایران به‌طور مستقیم به این جنگل‌های تاریخی وابسته است. با این همه، اهمیت جنگل‌ها به ویژه برای

1. McCool

نداند نفوذ قانونین عرفی کماکان هم به قوت پیش باقی است. شدت تاثیر عرف به حدی است که قادر است، قوانین رسمی و جغرافیای تعریف شده رسمی را نیز در هم بشکند. به عنوان مثال، تعریف محلی‌ای که از گستره قلمرو گوسفندسراها در بین جنگل‌نشینان وجود دارد، جنگل‌هایی را که بصورت رسمی و روی کاغذ به یک منطقه تعلق دارند را به منطقه دیگر نسبت می‌دهد. این مساله به نحو بارزی در جنگل‌های منطقه کلاردشت در غرب استان مازندران مشهود است. بطوریکه طی سال‌های گذشته و با توجه به حضور بیشتر گوسفندسراهای عباس‌آبادی در این جنگل‌ها، این حق عرفی را برای پیوستن جنگل‌های حد واسط کلاردشت-عباس‌آباد به منطقه عباس‌آباد مسلم نموده است. به همین نحو و در سطوح خردتر نیز شاهد هستیم که چگونه سراهای دامی جنگل‌نشینان دیروز، به ملک‌های خصوصی امروز ایشان و فرزندانشان تبدیل شده است.

#### ب. پیوند مصرف

«پیوند مصرف» بعد مهم دیگری است که وابستگی مردم محلی به جنگل را می‌توان بر اساس آن تعریف کرد. این نوع پیوند، مصرف فیزیکی مستقیم از زمین‌های عمومی که غالباً مطابق موافقت‌نامه‌های حقوقی، مقررات، یا هنجارهای پذیرفته شده هستند را نشان می‌دهد. در اینجا، سه نوع وابستگی مصرفی قابل شناسایی است:

**الف) دسترسی باز** که به عنوان وضعیتی از دسترسی آزاد به منابعی که برای همه در دسترس هستند تعریف شده است. در ایران و به‌طور مشخص در شمال کشور، دسترسی آزاد با لذت بردن از زیبایی جنگل و تفریح و دسترسی به بسیاری از خدمات اکوسیستم به تصویر کشیده شده است.

**ب) استفاده‌های مجاز** مستلزم مجوز یا پروانه است و به کاربران اجازه استفاده مشخص شده از منابع را بصورت مجوز مصرف شخصی و مجوز مصرف تجاری می‌دهد. مجوزها معمولاً شامل هزینه‌ای برای استفاده مشخص (از نظر زمانی و مقدار) محصول و خدمات دریافت شده می‌باشند. اما فعالیت‌هایی که شامل قانونگذاری هستند، مثل برداشت چوب

دارد. نگاهی که شاید در قوانین و روی کاغذ لحاظ شده‌باشد، اما عملکرد مثبتی بر جای نگذاشته‌است. در همین نقطه است که لزوم اتخاذ درک جامعه‌شناختی از اهمیت وابستگی نمایان می‌شود. به طور کلی، پرداختن به مساله وابستگی اجتماع-منابع بر اساس شاخص جامعه شناختی، برای فهم اینکه جنگل‌ها چه اهمیتی برای مردم دارند اساسی است و در فهم تاثیرات اجتماعی تاثیرگذار است.

بطورکلی در متن استفاده خصوصی از زمین‌های عمومی باید به درک ماهیت ارتباط بین اجتماع و منابع پرداخت و بر اساس برداشتی جامع از این ارتباط برای حفظ سیستم‌های انسانی و طبیعی برنامه‌ریزی کرد. ارتباط اجتماع-منابع بطور قابل ملاحظه‌ای و بسته به منابع در دسترس، سیاست‌های مدیریت زمین، و ویژگی‌های فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی اجتماع می‌تواند متفاوت باشد. در همین راستا، اندر وادا و بلانا<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در چارچوبی مفهومی به نام ال پی ال<sup>۲</sup>، انواع مختلفی از حقوق موجود در نحوه دسترسی و استفاده شهروندان از منابع عمومی را شناسایی کرده‌اند که در بحث وابستگی اجتماع-جنگل در شمال ایران، دو نوع، وابستگی قومی و وابستگی مصرف، برجسته‌تر به نظر می‌رسند.

#### الف. پیوند قومی

«پیوند قومی» با زمین‌های عمومی به وجود و هویت بسیاری از جوامع محلی مرکزیت می‌دهد، و از نظر عرف اجتماعی ساکنان شمال کشور به رسمیت شناخته می‌شود. این وابستگی‌ها روابطی منحصر به فرد و خاص هستند که در طول نسل‌ها بین مردم بومی و سرزمین‌ها و منابعی که استفاده می‌کنند وجود داشته است. چنان‌که در ایران، بصورت تاریخی علاوه بر بخش‌های مالکی و خالصه یا دیوانی، یک بخش عشایری نیز در انواع اداره امور جنگل‌ها وجود داشت. در بخش عشایری، اداره مراتع و بهره‌برداری از آن بر اساس عرف و عادت محلی صورت می‌گرفت (ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۱۳). از تاریخ ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در ۱۳۴۱، بخش عشایری رسمیت حقوقی‌اش را از دست داد، اما کیست که

1. Endter-Wada, J. & Blahna, D.J.,  
2. "Linkages to Public Lands" (LPL)

گروه‌ها از منابعی که در دسترسی باز یا دسترسی مجاز نیستند، استفاده می‌کنند. مصرف چوب برای هیزم، استفاده از فرآورده‌های جنگلی خاص مثل گیاهان دارویی، قارچ و غیره از جمله مصارفی هستند که در هیچ کدام از دو گروه بالا تعریف نشده‌اند و در عین حال مصرف افسارگسیخته آن‌ها، به شکلی که امروزه در جنگل‌های شمال رخ می‌دهد، غیر مجاز است.

### ۳. نتیجه‌گیری

تراکم بالای جمعیتی در استان‌های شمالی که اقتصادی مبتنی بر منابع طبیعی دارند، هر روزه با افزایش تقاضای بیشتر همراه است. در شرایط ناپایدار از نظر فقدان بستر مناسب قانونی و تکه تکه بودن نهادهای مربوط به حفاظت جنگل‌ها، زمینه برای حمله به طبیعت (جنگل‌ها و مراتع) و افزایش سطح زیر کشت و تعداد دام، تغییر کاربری و در نتیجه تخریب منابع طبیعی و جنگل‌ها فراهم می‌شود. از سوی دیگر با تخریب منابع طبیعی، سطح آسیب‌پذیری اقتصادی اجتماعی در این جوامع نیز بالا می‌رود.

اساساً در جوامع متکی بر الگوهای با درجات شدید وابستگی به منابع طبیعی که در آن فعالیت‌های اقتصادی حول محور سرمایه‌گذاری در عناصر اساسی محیط‌زیست محلی می‌چرخد (فعالیت‌های چون کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، معدن، نفت و گاز، و یا تفریحی و گردشگری)، اغلب سابقه نامنی اقتصادی مرتبط با نوسانات اکوسیستم‌های صنعتی و توسعه پایدار، تغییرات تکنولوژیک، جهانی شدن و تغییر جهت سیاست‌های ملی و منطقه‌ای را تجربه می‌کنند. از طرفی، این جوامع با آسیب اجتماعی یعنی «فقدان ظرفیت سبقت، کنار آمدن با، مقاومت در برابر، و بهبود یافتن» (Blaikie, 1994) از برخی تأثیرات مواجه هستند. به بیان دیگر توان اجتماعی در انطباق با تأثیراتی چون تغییرات آب و هوایی، نامنی غذا و بلایای طبیعی از جامعه سلب می‌شود. با این توصیف شکی نیست که تجربه هر دوی این آسیب‌ها (اقتصادی و اجتماعی) تناسب خاصی با آن‌چه در شمال ایران می‌گذرد دارد، چرا که در اینجا هنوز پیوندهای منابع طبیعی

و شکار بطور غیر معمولی در مورد جنگل‌نشینان، روستاییان و حتی سایر ساکنان استان‌های شمالی می‌تواند بدون کسب اجازه و بدون هزینه اتفاق بیافتد. در پاسخ به چرایی این مساله باید به زوایای ناقص قوانین و هم‌چنین اجرای ناقص‌تر آن‌ها اشاره کرد. قانون‌های حفاظتی جنگل و مجوزهای قانونی علاوه بر تعیین میزان مصارف اختصاص یافته به مصرف‌کننده‌های مختلف و هزینه‌های پولی، باید تأثیرات انگیزشی و هزینه‌های جمعی را هم تعیین نمایند. در حالی که قوانین جنگل در ایران، در بخش‌های اولیه تأثیرگذاری‌اش هم وامانده به نظر می‌رسد. چه بسا فعالیت‌های ضد محیط‌زیستی در جنگل‌های شمال که اتفاقاً در کنه قانون به وقوع می‌پیوندد. شاید ذکر برخی مصادیق در این جا بیهوده نباشد.

(۱) متناسب نبودن جریمه نقدی در برخورد با متخلفین و عدم تطابق آن با تورم و قیمت روز.

به عنوان مثال در ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع جریمه نقدی قطع درخت از ۱۵۰ ریال تا ۳۰۰ ریال تعیین شده است.

(۲) وضع مواد قانونی نامناسب چنان‌چه برخلاف انتظار به جای برخورد با متخلف و برقراری نظم، موجب تشویق متخلف شده و به رواج بی‌نظمی و بی‌قانونی منتهی می‌شود. ماده ۳۴ قانون حفاظت از جنگل‌ها اشاره کرد که در سال ۱۳۴۸ تصویب شده و مقرر می‌دارد، هر کسی منابع ملی (جنگل یا مرتع) را تا آن زمان تغییر کاربری داده، طبق شرایطی تحت تملک خود در آورد. متأسفانه این ماده قانونی در سال ۱۳۷۳ برای تخلف‌های تا سال ۱۳۶۵، طبق شرایطی تمدید شد. این روش تدوین قانون این ذهنیت را در جامعه به وجود می‌آورد که قانون‌شکنان و ناقضان قانون همیشه برنده هستند.

(۳) تکه تکه بودن نهادها و وجود تشکیلات موازی برای تصمیم‌گیری برای واگذاری اراضی و سبقت از همدیگر برای افزایش عملکرد واگذاری اراضی (تغییر کاربری جنگل و مرتع).

ج) استفاده‌های غیر مجاز وقتی رخ می‌دهد که افراد یا

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشر شده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.

## منابع

- ابراهیمی، محمدرضا (۱۳۸۵)، ارزیابی خط مشی لایحه قانون اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی مصوب ۵۹/۲/۳۱ شورای انقلاب، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، موسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه ریزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، استاد راهنما دکتر اصغر عالم تبریز.
- بودن، ریمون و بوریگو، فرانسوا (۱۳۸۵). فرهنگ انتقادی جامعه‌شناختی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات فرهنگ معاصر.
- سماک، م. و ع منطقی (۱۳۷۹). «اعلام جدیدترین آمار از سطح جنگل-های شمال کشور به موجب عکس‌های هوایی سال ۱۳۷۳»، همایش ملی مدیریت جنگل‌های شمال و توسعه پایدار، رامسر.
- شریعت نژاد، شمس‌الله (بی‌تا)، «نقش و جایگاه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری برای مدیریت توسعه و تامین مواد اولیه صنایع چوب و کاغذ کشور»، اولین همایش ملی تامین مواد اولیه صنایع چوب و کاغذ کشور - دانشگاه گرگان.
- مجنونیان، هنریک (۱۳۷۳). «نقش تعیین کننده حفاظت در جلوگیری از روند تخریب طبیعت و منابع زنده منطقه آسیا و اقیانوسیه»، نشریه محیط زیست، جلد ۶، شماره اول.
- هدایتی، محمد علی، (۱۳۸۱): «بررسی جنگل‌شناسی صنوبرکاری‌های شمال ایران»، نشریه جنگل و مرتع، شماره ۵۵.
- Blaikie, P., Cannon, T., Davis, I. & Wisner, B., At Risk: Natural Hazards, People's Vulnerability and Disasters, Routledge: London, ۱۹۹۴.
- Endter-Wada, J. & Blahna, D.J., Linkages to the for social assessment public lands: A framework and impact analysis on public lands. In Proc. Int'l Symp. Soc. & Res. Mgt., Keystone, CO, ۲۰۰۴.
- Mekbebi, E. T., Lilieholm R. J., Blahna\*, D. J. & L. E. Kruger (۲۰۰۹) Resource use, dependence and vulnerability: community-resource linkages on Alaska's Tongass National Forest WIT Transactions on Ecology and the Environment, Vol ۱۲۲, pp ۲۶۵-۲۷۲.

با محل، از نوعی هویت مرکزی برخوردار است. بنابراین فقدان، ایجاد، تعدیل و تغییر سیاست‌های منابع در ادامه حیات هویتی و حیات زیستی این جوامع موثر خواهد بود. بحثی که در این مقاله دنبال شد، در حقیقت با هدف جلب توجه‌ها به سوبه اجتماعی اشکال پیوند اجتماعات محلی به منابع طبیعی در شمال ایران بود. دنبال کردن این نگاه از پایین به ما (نویسندگان) امکان داد تا به بررسی دو نوع پیوند و تشخیص دو شکل وابستگی اجتماع-منابع پردازیم.

۱. پیوند قومی که در آن وابستگی از طریق عرف و معنی اجتماعی محل، تعریف و اعمال می‌شود. سیاست‌گذار و قانون‌گذار در اینجا نمی‌توانند از تاثیر هویت‌بخشی و دل‌بستگی منابع طبیعی و قدرت تصمیم‌های محلی و عرفی غفلت داشته‌باشند.

۲. پیوند مصرفی نیز اشاره است به اشکال متفاوت پیوند که ناشی از قوانین و مقررات ملی است و به سه صورت دسترسی باز، دسترسی از طریق مجوز و دسترسی غیرمجاز تعریف می‌شود. در این شکل از پیوند بیش از هر چیز، کمبود، نقص و نامتناسب بودن قوانین به چشم می‌خورد. این امر که چگونه قانون خود مفری برای بهره‌برداری بیشتر در جنگل‌های شمال را ایجاد و تسهیل می‌کند، توجه بیشتری را می‌طلبد. الکن بودن قوانین حفاظتی و سهل‌انگاری در اجرای درست موارد محدود لحاظ شده در مقررات موجود، خود در نهادی کردن حق (غیرقانونی) سوء استفاده از تولیدات و خدمات جنگل‌ها موثر است.

به این ترتیب دیدگاه حذفی به جنگل‌نشینان یا انتقاداتی که به سبک وابستگی روستائینان در محافل محیط‌زیستی یا نگاه برخی مسئولان وجود دارد، در صورتی که با یک رویکرد مشارکتی که هم منافع ذهنی و عینی اجتماعات محلی و هم حفاظت پایدار جنگل‌ها را لحاظ می‌کند، راه مناسب‌تری در اتخاذ مسیر توسعه پایدار است. دید حذفی، صرفاً یک نگاه از بالا به پایین است که به دلیل لحاظ نکردن حق و فرصت مشارکت مردم محلی در تعیین پیوندهای‌شان با محل زندگی خود، فرسنگ‌ها از مقصد توسعه پایدار فاصله دارد و گداز نیست ادعا کنیم، هرگز به آن نخواهید رسید.